صلح نوشت

گپروز

«صلح»رابایدکاشتوپرورشداد

هســـتند افرادی که آنها را خائن و همدم دشمن و خط مقابل ميهن پرستان مي خوانند؛ درحالی که صلحجویان، میهن پرســتان واقعی هســتند که بهجای ایجاد شرایط بن بست برای ملتهای در گیر در خشونت و جنگ، به دنبال راهی برای پایان دادن به در دو رنجهای بی پایان ر می رو به می این می مراد مرکز می می واده می این می می این می معلوان تنها راه جهت رسیدن به شرایط زندگی مطلوب برای کشور و مردم خود هستند. جوانانی که در بری رشد پیدا کردند که به آنها آموختهاند تا جوامعی رشد پیدا کردند که به آنها آموختهاند تا از یکدیگر متنفر باشند. با این وجود صلح جویان متحد شــدهاند تا در کنار هم برای رســیدن با آیندهای روشــن تر برای خود و نســلهای بعد دانههای صلح را بکارند و پرورش دهند. در این فرآیند آنها به خود و دولتهایشان اثبات میکنند که همیشیه یک رامحل وجود دارد و صلح غیرممکن نیست. این منشور ریشه کنی تنفر و ترور توسط ۱۲۰ دانـه از این مجموعه از گشورهای خاورمیانیه، آسیای جنوب الکان و ایالاتمتحده نوشیته و در نوامبر سال ۲۰۰۱ در اجلاس ریشــهکنی نفــرت و ترور در سازمان ملل متحد در نیویورک ارایه شد. www.seedsofpeace.org : منبع

12.612

نگاه فرهنگی

ادامه از صفحه ۹ |هیچگاه آرمانگرایی یک رس را مست دم نگیرید. بسیاری از جوانان ن موسسه در مکانهایی زندگی میکنند به قتل و تحقیر، فق می احدیک جوان را د که قتل و تحقیر، فقــر و پناهندگان بی خانمان در آنجا متداول است؛ آنها درواقع در فضایی از این شهرت ایجاد شده به واسطه واقعیتهای ر بر می برد. ناعادلانه محصور شدهاند. خشونت از زمانی که تفنگی نقطه ای را هدف قرار می دهد یا ســنگی پرتاب می شـود، آغاز نمی ُشـود بلکه خشونت در نقاشــی های دیواری و گرافیتی های مملو از نفرت بر دیوارهای شهر موج میزند. با این حال دانههای صلح برابری حقیقــی، وحدت، تفاهم دانههای صلح برابری حقیقی، وحدت، تفاهم و شیادی را در مواجهه با این تضاد کامل تجربه 1.5

جوانان دانه های صلح بر ایس باورند که اگر واقعا در پیاده سازی ایسن اصول در قلب ها وُ خانههایُشان موفَق باشند، دیگر قربانی خشونت نخواهند بود و آنها خواهند توانست مسیر زُندگی انسان ُهای حتّی خُواستار اُنتقام را بهسـمت آرمان های مثبت ایجاد صلح تغییر

ٌ وقتی می توان تغییر ایجاد کرد،وضع کنونی قابل قبول نیست

دهند.

«سعید خراطها» از «طرد ذهنی»در جوانان ایرانی میگوید تبعیض و فقدان عدالت، ریشه های نارضایتی

3

طرح نو البلامهداد جندی پیش در خبرها آمده بود، ۶۵درصد جوانیان دچار طرد ذهنی هستند.این رقم، مربوط به پژوهشی است که توسط وزارت ورزش و جوانبان با عنوان «طبرد اجتماعي جوانان و عوامل زمینه ساز آن در ایران» انجام ش البت رو مرابق ان مشخص شد از جامعه آماری ۴۵۲۰ و مطابق آن مشخص شد از جامعه آماری ۴۵۲۰ جوان ۱۵ تا ۲۹ ساله سراستر کشور، ۶۵درصد آنها، دچار طرد ذهنی هستند. طبق گفته رئیس مرکز پر پژوهش هـا و مطالعـات راهبـردی وزارت ورزش و جوانان، میانگین شاخص طرد ذهنی، احساس فرد : ز موقعیت خودش در زندگی است. در این پژوهش ۱۴۴/۵ درصــد پاسـخگویان طــرد عینــی را تجربه کر دہاند کے ۳۲/۵ درصد آنان تجربے طرد عینی را در حد متوسط و ۳۳درصد درحد کم داشتهاند. در مطالعه انجام شده از سوی وزارت ورزش و جوانان، مساعد اعبم سعد رستوی ورزگ ورزش و جوان. کلید واژههایی مانند «طرد عینی» وجود دارد که ناگزیر از تعریف آن هستیم. طرد عینی عبارت است از، شرایط واقعی زندگی فرد «آن طوری که هست» که از سه بعد محرومیت مادی، دسترسی ناکافی به حقوق اجتماعی و فقدان مشارکت در فعالیتهای

اجتماعی وفرهنگی نشأت می گیرد. «سعید خراطها» آسیب شــناس اجتماعی، با «شــهروند» به گفتو گو نشســته اسـت تــا درباره کمو کیفٌ، چگونگی و ٌمحٌتوای پژوهش ارایهشده، به برسش های ما پاســخ دهد. مشروح این گفتو گو در ادامه آمده است

طبق خبرهای منتشـر شـده، درصد بالایی از جوانان ما دچار طرد ذهنی هستند. برای ملموس تر شـدن مساله، ابتدا به این سـوال پاسخ دهید که طرد ذهنی چیست؟

ايد طرد ذهني يک واژه روانشناسي باشد اما نچــه در علوماجتماعــی به آن پرداخته میشــود، مفهومی است به نام رضایتمندی. ایس نارضایتی از خود و شسرایط موجود، چندان وابسته به چیزی ماننــد در آمــد یــا سـرانه های ملی نیســت. طبق پژوهش هایی که من در مقایســه مسائل اجتماعی ایـــران و تاجیکســـتان انجـــام دادم، میانگین در آمد رور ـرانه تاجيكســـتان از ايران پايين تر است، یکاری ــتر اســت و در مجموع می توان گفت که وضع اقتصادی ایران به مراتب بهتر از تاجیکستان است اما رضایتمندی از وضع و شرایط در تاجیکستان بیشتر اًز ایران است، بنابراین ممکن است کشوری از نظر اقتصادی وضع نامناسبی داشته باشــد اما مردم آن ز شـرایط خود راضی باشند. طبق گفته مار کز «فقر ت بلكه أحساس فقر است كه اهميا دا. د». یعنی این امــکان وجود دارد که شــما در آمد بالایی داشته باشــيد و جامعهای که در آن زندگی می کنيد از نظر اقتصادی، میانگین ها و سرانه ها، خوب باشد یا ر مقایسه با کشورهای دیگر، شرایط بهتری داشته باشد اما مردم احساس فقر داشته باشند یا حس وجود فاصله طبقاتی یا نارضایتی در میان مردم موج بُزند. نارضایتی به خودی خود تجلی گاه یک حس یا نگاهی است که فرد به خود و جایگاه و پایگاه خود در جامعه دار د.

جمعت درد. شـرایط اقتصادی در بهوجـود آمدن وضعی که منجر به برخی آسیبها نظیر طرد ذهنی یا مفاهیمی شبیه آن میشود، چه تاثیری دارند؟ همان طور که در سـطرهای بالا به آن اشاره کردم امکان دارد کشـوری شـرایط اقتصـادی مطلوبی نداشــته باشـداما رضایتمندی درمیان مردمان آن

به چشم بیاید و عکس این مساله نیز بهطور کامل قابل مشاهده است. این مساله را حتی می توان در میان مردم شهر و روستانیز مشاهده کرد. با این که در شهرها، مردم از در آمدهای بالاتری نسبت به روستاییان برخوردارند اما همیشه با نارضایتی شهرنشینان روبهرو هستیم و می توان گفت بخش

و درمقابل او بــا تلاش، صداقت و... بهخواســته های معقول خــود نمی رسـد، یا مسـیر خــود را تغییر می دهد و رفته رفته از صداقت خود دســت می کشد توجوی رادهایی که نوکیسههای وطنی طـــى كردەاند، مــىرود يــا مرتكب جــرم و جنايا میشود یا ســرخوردگی به او هجوم میآورد و دچار

نارضایتی به خودی خود تجلی گاه یک حس یا نگاهی است که فرد به خود و جایگاه و پایگاه خود در جامعه دارد.

اهداف مشروع خود نرسند دچار سـرخوردگی و ناامیدی می شوند و این خود باعث ایجاد بروز و آسیب های اجتماعی دیگر می شود.

پرجمعیت، داشتن پایگاه اجتماعی و اقتصادی پایین، علت لازم هســتند ولی دلیل کافی نیســتند. در خانوادههای پرجمعیت ســتگی اجتماعی بیشــتر نمود دارد، روابـط اجتماعی در این خانواده ها مســتحکم تر اســت و در بحران های اجتماعی پشتیبان بکدیگر هستند.

جامعه، در دورهای خاصی برای خود تعیین می کند، بســتگی دارد. در حال حاضر جامعه مادی گرا و مـادیز ده ما که ارز ش های مادی در آن حاکم است و داشتن خانه، ویلا، خودرو و پول اهمیت و ار جحیت دارد و به عنوان فضیلت در افراد جست وجو می شود، بنابراین کسی که سر کار می رود لزومااز آرمان ها، آرزوها و ارزش ها بر خور دار نیست

> . در توزيع نامناسب سـرمايه، در آمد و ثروت. در آمدهــاي بالايي وجــود دارد، امكانات و شــرايط ر مناسب بسیاری به چشــم میخورند اما همه بهطور یکســان یا عادلانه از آن برخوردار نیســتند. وجود فاصله طبقاتــى نيز به اين نارضاًيتــى دامن مىزند، البته اينها تنهــا علل بهوجود آمــدن اين نارضايتى یستند و عوامل عدیدهای در بروز این حس نقش یا استان و عراس سیانای در برور یی سی مسی دارنـــد اگر افـــراد یک جامعــه بهرغــم تلاشهایی کــه می کنند به خواســتهها و اهداف مشــروع خود ر سند دچار سر خورد گی و نامیدی می شوند و این خود باعث ایجاد بروز و آســیب های اجتماعی دیگر می شود. این گونه افراد به دلیل آسیبی که می بینند

د و صاحب خودرو، خانه و... می شوند . نبوہ میرسا

موجب بروز اختلالات روانی و جسـمی شده است. البته باید منذکر شــوم که در کشــور مــا نارضایتی مقدم اســت بــر این نــوع از اختــلالات بهخصوص اختلالات روانی و بیماری های تنی و جسمانی مثل سرطان ها، بیماری های اعصاب و روان و... ریشه این نار ضایتی هــا در کج کار کــر دی نهادهای اجتماعی ئىسە در فقر، بيكارى و فاصلە طبقاتى است؛ است؛ ریشــه در ففر، بیماری و ـــــ در فساد اداری، رانت و پار تی بازی. - -

آیا می تــوان نتیجه گرفــت محرومیت های متماعــی و فــردی ماننــد بیــکاری، باعــث

نارضایتی در افراد می شود؟ محرومیت های اجتماعی به شـرایط، خواسته ها و آرمانهایی کـه جامعـه، در دورهای خاصی برای خود تعیین می کند، بستگی دارد. در حال حاضر جامعه مادی گرا و مادی زده ما که ارزش های مادی . در آن حاکم است و داشتن خانه، ویلا، خودرو و پول اهمیت و ارجحیت دارد و بهعنوان فضیلت در افراد جستوجو می شــود، بنابراین کسی که سر کار می رود لزوما از آرمان ها، آرزوها و ارزش ها برخور دار نیست. همان طور که قبلا هم اشــاره کردم فرد با این که تلاش می کُنُد اما به خواسته های خُود دست یں نمی یابد و در نتیجه دچار سـرخوردگی و نارضایتی می شود. از سوی دیگر موضوعی مانند بیکاری هم در ایجاد نارضایتی موثر است. متاسفانه با این شرایط جمعیت کثیری از جمعیت ما با این که در ست اشتغال هستند، بيكار ماندهاند.

درمجمــوع باً توجُه به آنچه گفته شــد، علل نارضایتی از خود و شرایط اجتماعی را باید در کرمایینی، رخوه و سریف، بعشاعی را بیمان کجا جستوجو کرد؟ چگونه می توان احساس نارضایتی رااز بین برد؟

این مشکل ریشه در مسائل اجتماعی دارد؛ در فقر، این مشکل ریشه در مسائل اجتماعی دارد؛ در فقر، بیکاری، فاصلهطبقاتی و…؛ از آنجا که در یک جامعه مادى (يا حداقل مادى زدهُ) زندگى مى كنيم، ماديات و اقتصاد اهميت و اولويت دارند. با اين شرايط بايد اوضاع اقتصادی مردم بهبود یابد، بایــد در آمدها افزایش پیدا کند، باید تورم در حال مهار باشـد. همه اینها کارهایی است که باید در مرحله اول انجام داد تـااز این طریق نیازهای اولیه و اساسی افراد تأمین شود و در گامهای بعدی باز بین بردن تبعیض و برقراری عدالت اجتماعی، سطح نارضایتی ها را کاهش داد. با ذکر این نکات به این ے ہوئے ہیں کہ دولت با داشتن راہکارہای مناسب بايد وارد ميدان شــود و با قــرار دادن رونق اقتصادى در دستوركار خود، اقدامات اساسي

هدكه البته درحال حاضر موانع جدی ای سـرّ راه خــود دارد. البتــه 651 ايسن موانسع طي بر یکی، دوسیال ایجیاد نشیدهاند. .. سا| هاست که این موانع ايجاد شده ۔ ۔ متاسـفانه تدابیر . شتىاە، باعث شدە جامعےہ بےا این . سطح گسترده از افسـردگی، بیکا ر ّی ، نارضایتی و ... روبەرو شود

انكار فضاىمجازى،راەمقابلەنىست این رشته است که تدریس میشود. بهنظر من یکی از دلایلی که ما، ۲۵۰۰سال استبداد تجرب کردیم، فقدان همین الگوهای گفتوگویی و فقددان الگوهای دموکراتیک برای شنیدن و گفتوشنود بوده که همه اینها نیازمند تحقیق، برنامهریزی و تولید متن در » دانشگاههاست، متاسفانه در دانشگاههای ما، جای ایــن بحــث خالی اسـت. مجموع چنین بحث هایی باعث می مشود کودکان در این شـبکههای اجتماعی بهطور پراکنده و غریزی و براساس الگوهای گسسته، با هم در ارتباط باشند که تهدیداتش بیشتر از آثار خوب آن است. باید این سوال را مطرح کرد که چرا کشــور ما با ۳هزارســال تمدن، جزو کشورهای توسعهنیافته اســت؟ برای این که نگاه ما همیشه اشـــتـاه بوده است. ما همیشه غریزی و سنتی عمل کردهایم و هیچگاه نگاه علمی وجود نداشته است. ادعا می کنم که بسیاری از صاحبنظران و استادان ما به لحاظ فهــم تئوریک و تواناییهـای تحلیلی، در مقایسه با همتایان خود در کشورهای دیگر، پایین تر هستند و دلیلش این است که اینها تحت الگوهای خاصی تربیت نمیشوند، چون آموزش و پرورش و دانشــگاههای ما از این نظر ضعیف هستند. متاسـفانه گاهی ما شاهد این هستیم که حتی بزرگترها نیز در این شبکههای اجتماعی سرگردان هستند. کههای اجتماعی سر گردان هم این افراد گویی نمیدانند دنبال چه چیزی هستند و بیشتر به صورت واکنشی، اقدام یسی مستند و بیشتر به صورت واکنشی، اقدام میکنند. اگر جریانی بیایید و بخواهد روی جهت فکری مردم ما تأثیر و آثار مخرب به جا کار با با احتیاب کار را می تواند پیش جهت قدری مردم ما بیر و اس مربر ب بگذارد بدراحتی ایــن کار را میتواند پیش ببرد چون شــناخت و تحلیلی وجــود ندارد. این بهدلیل آن اسـت که بیشتر افرادی که از این شبکهها اســنفاده می کنند، از چارچوب فکری برخوردار نیستند و آسیب به این دلیل بیشتر میشود که ما در دورانهای یان. خاص، آموزش های لازم را ارایه نمی دهیم. وسایل ارتباط جمعی ما یا صداوسیما که به قول امام راحل(ره) باید دانشگاه باشد، یا براساس قانون اساسی باید کارهای تربیتی و آموزشی و بالابردن سطح آگاهیها را سبب شـود، آن طور که باید اینگونه عمل نمی کند. تنها کاری که ما یاد گرفته ایم این اسـت که این شــبکهها را انــکار می کنیم؛ بــا یک دید منفسى موضع مى گيريم و مى گوييسم اينها وسايل خوبي نيستند، معلوم است كه اين ر میں رہی ۔ شـیوہ جواب نمیدھـد. اگر مـدام بگوییم از این وسـایل اسـتفادہ نکنید ولـی دلایل قانع کنندهای ارایه نکنیم و دلایل ما وجه تربیتی نداشته باشد و آموزشمان نیز متکی بر اعــداد و ارقام و تحليل نباشــد، نتيجه اين

ود که این افسراد سساده و ضعیف بار

مي آيند و اين وسايل را به صورت غريزي

ادامه از صفحه ۹| اینها مباحث جدی استفاده میکنند؛ بهنظر من باید برنامهریزی بن رشته است که تدریس می شود، بهنظر به گونهای باشد که وسایل ارتباطات جمعی ما بــه آمـوزش اســتفاده از این وسـایل، اختصاص بیابــد. همه ما میدانیــم که طی یکی، دو دهه اخیر این وسایل دنیا را متحول - یی در از نظر فکـری، از نظـر ارتباطات بینالمللـی، از نظـر ارتباطـات اجتماعــی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی. امروز آمارها گویای این هستند که ۲۰–۶۰درصد مردم تهران از ماهسواره استفاده میکنند. بهنظر یهری از مسور این آمار رو به افزایش است ولی متاسفانه مدیریت این شبکهها با کشورهای خارجی است و در درون هیچ امکانی بـرای مدیریـت وجود نــدارد. هیچ امکانی بر ای ســـاخت محتوا نیســت، در واقع هیچ رویکـرد و چارچوب فکـری و نظری ای وجود نــدار د و واقعیت این اســت که این کار هیچ متولیای ندارد. ما باید نهادسازی کنیم، باید ســازمانهایی ایجاد کنیم که کارشــان نظارت و برنامه ریستی در این زمینه باشـد. باید در ایــن زمینه تحقیق کنیــم، آمارها را استخراج کنیم. باید قابلیتهای این شبکهها ا بشناسیم، باید پتانسیل های این شبکهها اِ بشناسیم، باید پتانسیل های این شبکهها اِ سَناسایی کنیم ولی متاسفانه ما هیچیک از ر این کارها را انجام نمی دهیم و تنها می گوییم نـه، نه، نـه! و همه ایـن نه گفتن هـــا آثار ش این بوده که مردم بیشــتری به این شــبکهها -ت ر ۲۰۰۰ رو ۲۰۰۰ روی . ۲۰۰۰ مدیریت آنها در خارج است و حقیقت این است که مدیریت خارج اسا بیرون با ما دلسوزانه رفتار نخواهد کرد و نوع مدیریت آنهـا، جنبههای تهدیــدی را برای ما افزایش میدهد. شـاید برای همین است که گسسـت نسـلها، فاصلههای فرهنگی نه کسست نسـلها، فاصلههای فرهنگی و سیاسـی را شـاهدیم. راه پیـشروی مـا این اسـت که با تولید محتوا بـا برنامهریزی و ایجاد ســـامانه های علمـــی و تربیت افراد و سات کشور های ۔ نحلیلگران و استفادہ از تجر ديگر، جُلُو برويسم. به عنوان مثال ژاپن با استفاده از علم و دانش کشورهای مختلف ها و استفاده و بهره گرفتُسن از تمام قابلیت بهینه از مدیریت این وسایل، امروزه توانسته به این جایگاه برسد. ما شاهدیم که بسیاری از کشـورهای جهان سـوم مانند کره، چین و سنگاپور با همین روشها خود را به سطوح بالاتر ارتقا دادهاند. آنها با مدیریت، ایجاد سامانههای متناسب، تربیت کادر متخصص و تحلیلگر توانستند از این وسایل برای بالابردن آگاهیهای عمومی استفاده کنند و باعث ارتقا و رشد و توسعه جامعه خود شدهاند. ما با سیاست نفی و انکار، راه بهجایــی نمیبریــم. بهنظر من این شـُـ تنها یک نتیجــه دارد و آن این اســت ک ت که ما را از قدرت مدیریت محتوایی این وسایل و استفاده از پتانسیل آنها برای توسعه و رشد جامعه محروم می کند.



اگر افراد یک جامعه بهرغم تلاشهایی که می کنند به خواســتهها و

پایین بودن سطح دانش، سلامت، اشتغال و داشتن خانواده

محرومیت های اجتماعی به شـرایط، خواســته ها و آرمان هایی که

قابل توجهی از آن ریشــه در بیعدالتــی اجتماعی

سیسوسانی و اور به بینی میبایی که میبینید دست به جرایم اجتماعی میزنند. افــرادی کــه از شــرایط و جایــگاه خــود ناراضیاند با چه آسیبهایی روبدرو هستند و چه معضلاتی را برای جامعه به وجود می آورند؟ . زمانی که فرد تلاش می کند و به نتیجه نمی رسید و در مقابل مشاهده می کند که افرادی بدون تلاش، ا تبهـکاری، رانت، اختلاس و رشــوه به در آمدهای

بحران های روانی می شـود و نتیجه این می شود که ما با این آمارها روبه رو می شویم. متاسفانه آمار ارایه یار وحشیتناک است. شـــده اخير – ۶۵در صد– بــ این آمار نشانهای است از این که بستری برای رشد آسـیبهای اجتماعی و اختلالات روانی در جامعه، ىتىد كە نىابد وجود دارد. این آمارها زنگ خطری هس بي توجه أز كنار أنها گذشت. اين آمــار گواه وجود نابر ابری اجتماعی، تبعیض و… در جامعه است. ار روی با یین بودن سطح دانش، سلامت، اشتغال و... را عوامل به وجود آورنده نارضایتی اجتماعتی میدانند، به زعم شما تأثیر آین عوامل تا چه حداست؟

بایین بـودن سـطح دانش، سـلامت، اشــتغال و داشتن خانواده پرجمعیت، داشتن پایگاه اجتماعی و اقتصادی پایین، علت لاز م هستند ولی دلیل کافی ـــتند. در خانوادههـای پرجمعیت همبســـتگی ماعی بیشــتر نمــود دارد، روابــط اجتماعی در . حتماعی بیش این خانوادها مستر همود (دروید اجتماعی در این خانوادها مستر کمر است و در بحران های اجتماعی پشتیبان یکدیگر هستند. درباره سلامت نکته این است که آیافقدان سلامت روانی و جسمی، علت بروز نارضایتی از خود است یا نارضایتی از خود

